

شاگردم دکتر گرفت سر بلند شدم

باریحانه زحمتکش، سرپرست آموزشی مجتمع امید



محمدحسین دیزجی

■ تدریس برای نابینایان با چه دشواری‌ها و چه لذت‌هایی همراه است؟

هر شغلی متناسب با حیطه‌ی کاری‌اش سختی‌های خودش را دارد. کار با کودکان با نیازهای ویژه و در کنارشان کار با کودکان نابینا و کم‌بینا یا همان گروه آسیب‌دیده‌ی بینایی، حتماً باید با صبر و حوصله‌ی مضاعف همراه باشد. چون این کودکان هیچ شناختی نسبت به دنیای بیرون ذهن خود ندارند یا اگر هم دارند خیلی اندک است. برای همین آموزگار باید مطالب درسی را با نوع ناتوانی دانش‌آموز لمس کند تا او را نسبت به دنیای پیرامونش به درک و شناخت برساند. در کنار این مسائل، لذت یادگیری و اینکه این کودکان بتوانند بخوانند و بنویسند، خیلی شیرین است. چون ما از این طریق دریچه‌ای روشن و تازه جلوی راه آنان باز می‌کنیم تا بتوانند با دنیای بیرونشان ارتباط برقرار کنند و این برقراری ارتباط آنان برای ما خیلی شیرین و لذت‌بخش است.

■ کودکان نابینا نسبت به دیگران محدودیت بینایی دارند و آموزگار باید از این محدودیت گذر کند و مباحث درسی را به آنان یاد بدهد. شما چطور از این محدودیت می‌گذرید؟

از طریق قابل‌لمس کردن مفاهیم انتزاعی برای آنها؛ آشنا کردنشان با رایانه و کار با آن و با نرم‌افزارهای کاربردی روز دنیا؛ آشنایی‌شان با علوم گوناگون، آموزش چگونگی تعامل اجتماعی و زندگی در جامعه و انجام کارهای خود به‌طور

یک کودک نابینا، ناشنوا، کم‌بینا و شاید کم‌شنوا چه کاری از عهده‌اش برمی‌آید؟ شاید برخی بگویند هیچ، اما همین کودک که شناختی از دنیای اطراف خود ندارد، وقتی با آموزگاری روبه‌رو می‌شود که سرشار از ایمان، انرژی و اعتماد به نفس هستند، انسان توانمندی می‌شود که در اوج می‌ایستد و دنیای اطراف خود را شکفت زده می‌کند. اینجاست که معلم احساس غرور و سربلندی دارد. اینجا بندرعباس است؛ حاشیه‌ی خلیج همیشه فارس. به دیدار یکی از این آموزگاران آمده‌ایم؛ با ۲۵ سال تجربه‌ی آموزش به کودکان استثنایی. کارشناسی ارشد پژوهش هنر دارد و در تمام پایه‌ها، آموزش به کودکان نابینا، ناشنوا و کم‌توان ذهنی را از روستاها تا مرکز استان هرمزگان تجربه کرده و حالا سرپرست آموزشی مجتمع آموزشی امید آموزش و پرورش استثنایی در بندرعباس است. گفت‌وگو با باریحانه زحمتکش پیش روی شماست. شاگردانی که او و همکارانش تربیت کرده‌اند، امروز در جای‌جای این استان خوش می‌درخشند.



مستقل؛ آموزش چگونگی کار در فضای مجازی.



■ تدریس کدام یک از درس های دوران دبستان برای بچه های نابینا سخت تر است و آموزگار چه تدبیری باید بیندیشد؟

خواندن و نوشتن حروف بریل در قالب املا در پایه های آمادگی و اول، همچنین ریاضی در پایه های بالا، به نسبت سخت است. البته آموزگار بیشتر از کیت های آموزشی در دسترس و همچنین وسایلی کمک آموزشی که خودش تهیه می کند بهره می برد. مثل مبحث محورها؛ چون این دانش آموزان نمی توانند این مفهوم را درک کنند. آموزگار از طریق خمیربازی و مهره های حساب افزار، در قالب بازی این را به بچه ها یاد می دهد. درکنار آن، همکاران ما از طریق برنامه ای اکسل توانستند ریاضی را به دانش آموزان نابینا یاد بدهند. الان آن ها حتی سریع تر از فرد بینا می توانند عملیات ریاضی را انجام دهند.

یکی از دانش آموزان این مدرسه مدرک دکترا دارد و در استانداردی فعال است. دانش آموزان دیگری هم در فرمانداری یا فرهنگسراها فعال اند و یا در دانشگاه به تحصیل مشغول اند.

■ در مجتمع خودتان یا در بندرعباس چند دانش آموز با شرایط دارای نیازهای ویژه دارید؟

در شهر بندرعباس تقریباً هفت مرکز آموزشی مشغول به کار است و در مجتمع آموزشی امید که من در آن مشغول به کارم، تقریباً نزدیک ۲۳۶ دانش آموز داریم.

■ آموزش به نابینایان به ابزار و وسایل کمک آموزشی خاص نیاز دارد. لطفاً به چند نمونه از آن ها اشاره کنید و کاربرد یکی را توضیح دهید.

یکی از این نرم افزارها برنامه ای تیم اسپیک است که روی گوشی ها نصب می شود و با آن دانش آموزان نابینا می توانند پیام ها را بخوانند و همچنین پیام بفرستند. الان که به خاطر ویروس کرونا مدرسه ها تعطیل شده اند، تیم اسپیک یکی از برنامه هایی است که کاربران از طریق آن خیلی راحت می توانند پیام های معلم را بخوانند و به آن ها جواب بدهند. دستگاه **braille note taker** است.

دیگر دستگاه، ماشین تحریر نابینایان است که شش کلید دارد؛ معادل شش نقطه ای بریل که دانش آموزان خیلی راحت مطالب درسی خود را با آن تایپ می کنند. از «دستگاه سروش» که مفاهیم تصویری را برای دانش آموزان نابینا توضیح می دهد، در آموزش نقشه های جغرافیایی، اشکال هندسی و ریاضی، و داستان های گو یا استفاده می شود.

«دستگاه بهدید» در خواندن کتاب های درسی و غیردرسی به بچه های کم بینا کمک می کند. شبیه یک موس است و یک ذره بین کوچک زیر آن قرار دارد و در کلاس به تلویزیون یا لپ تاپ، تبلت و همچنین به ویدئو پروژکتور و مگنی فایر برجسته نگار و خیلی دیگر از دستگاه ها، نرم افزارها و برنامه هایی که به روزند و بچه ها از آن ها برای آموختن استفاده می کنند وصل می شود.

■ شاگردان شما علاوه بر کتاب های درسی، به عنوان منبع اصلی مطالعه، به چه منابع دیگری دسترسی دارند؟

کتابخانه ای مدرسه؛ کتابخانه های عمومی شهر (کتابخانه ای فرهنگسرای طوبی یکی از این کتابخانه هاست که دانش آموزان نابینا عضو آن هستند)؛ مرکز فراگیر کانون پرورشی فکری کودکان و نوجوانان که همه ی دانش آموزان با نیازهای ویژه را پوشش می دهد و به دستگاه های بهدید، سروش و پرکینز، برای نابینایان و کم بینایان، مجهز است؛ گروه های تئاتری و همچنین آموزش ورزش گلبال و آموزش رایانه که زیر نظر کانون نابینایان برای بچه های نابینا خدمات رسانی می کنند. بچه ها بعد از فراغت از درس به آنجا می روند و آموزش های لازم را کسب می کنند. این ها جملگی منابع خوبی برای بچه ها هستند؛ هم برای مطالعه و هم برای گذران اوقات فراغت.

■ شاگردانی داشته اید که پس از گذشت این همه سال به موفقیت هایی رسیده و امروز در جایگاه خوبی مشغول به زندگی و کار باشند؟